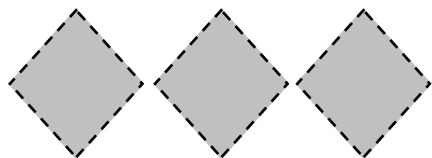


رسانه، نیاز امروز



گفتاری از حجت الاسلام

علیرضا پناهیان

ایام البیض ماه رجب ۱۴۲۳ هجری قمری



بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر خداوند و فرستادگانش

درباره حضرت زینب(س) معمولاً این طور گفته می شود که ایشان پیام رسان کربلا بودند. کربلا در کربلا می ماند، اگر زینب نبود... در این تردیدی نیست.

پیام عاشورا اهمیت بسیار بالایی دارد، به حدی که می شود گفت اگر پیام رسانی کربلا صورت نمی گرفت باید می گفتیم خون شهدای کربلا به ثمر نمی نشست و اگر خون شهدای کربلا باعث حفظ اسلام شد، باید گفته شود که حضرت زینب باعث حفظ اسلام شد و نقش کلیدی داشت. اساساً خود حماسه ی عاشورا چیزی از جنس پیام رسانی بود. بعد از این که ماهیت قیام امام حسین(ع) بررسی شود و مشخص شود، ماهیت پیام رسانی حضرت زینب دو صدچندان می شود.

ماهیت عاشورا ماهیت پیام رسانی بود، چرا؟ چون امام حسین(ع) در روز عاشورا وقتی آن حماسه را خلق کرد، برای اجرای حق نبود، چون می دانست با حماسه ی او حق اجرا نخواهد شد. برای نجات مردم زمان خودش هم نبود، چون می دانست مردم زمان او دیگر نجات پیدا نخواهند کرد. برای نابودی ظلم هم نبود، چون می دانست دیگر دستش به سرچشمه ی ظلم نمی رسد و همان مردم تحت ستم یزید، او را به شهادت خواهند رساند. قیام امام حسین برای امر به معروف و نهی از منکر بود، برای مبارزه با ظلم بود، علیه کفر بود، ولی «قیام» با «عاشورا» فرق می کند، قیام در کربلا متوقف شد، در کربلا حماسه ی عاشورا آغاز شد. شعار قیام، امر به معروف و نهی از منکر بود؛ اما شعار عاشورا دیگر این نبود، چون دیگر جایی برای امر به معروف و نهی از منکر نمانده بود. شعار عاشورا «هیئات من الذله» بود.

- نپذیرفتید امر به معروف و نهی از منکر من را؟! باشد؛ من قصد رفتن می کنم. گفتند: نمی گذاریم بروید. حضرت فرمود من با شما دیگر کاری ندارم، با یزید هم اگر کاری

زینب از کی بیمار شد؟ زینب که سر پا بود... شب شام غریبان که جای چند مرد کار کرد؛ جای عباس، جای علی اکبر...

عزیزان! همه ی شما می دانید که در سفر، «پهن کردن» آسان تر از «جمع کردن» است. در کربلا همه ی مردها آمدند کمک کردند و پهن کردند، اما زینب یک تنه همه را جمع کرد...

زینب که سر پا بود! زینب تا شام آن قدر مقتدرانه حرکت می کرد که اقتدارش نابود کرد کاخ یزیدیان را. در شام وقتی می خواست وارد کاخ یزید ملعون شود، دیدند اگر زینب این گونه استوار وارد شود نابود می کند آن ها را، برای همین طناب آوردند و به او طناب بستند تا او را بشکنند، ولی نشکست. آن سخنرانی با آرامش، با طمئینه، عمیق، با صلابت... در کوفه! در شام! آن جا زینب بیمار نبود... زینب روی پا ایستاده تا پیام حسین را برساند، برای این که با افتخار کنار سر مطهر حسین، قد علم بکند...

می دانید زینب از کی بیمار شد؟ و از کی آثار بیماری در زینب ظاهر شد؟ از وقتی که بعد از اربعین به او گفتند دیگر کارت تمام شد! دیگر بنا نبود زینب جای کسی تازیانه بخورد، دیگر بنا نبود کار رسانه ای بکند... وقتی به او گفتند برو گوشه ی خانه بنشین! اما زینب که خانه نشین نیست...

سایر جزوات منتشر شده:

و ما أدراك مالالبانک

حوزه؛ بایدها و نیایدها

دشمن شناسان دوست فراموش

بازخوانی مصاحبه رهبر انقلاب درباره دکتر علی شریعتی



عارفی داشت از دنیا می‌رفت، گریه می‌کرد که جواب خدا را چه بدهم. به او گفتند: تو دیگر چرا؟ تو که کارت درست بود. گفت اگر من از دنیا رفتم و خدا از من پرسید یک انسان ژاپنی نامسلمان بود پس تو چه کاره بودی؟ من چه جواب بدهم. «و لا تحزن علیهم و لا تک فی ضیق مما یمکرون». این قدر خودت را اذیت نکن و خودت را در تنگنا نگذار از این مکرری که این‌ها می‌زنند. هم دلش برای آن‌ها می‌سوزد هم ناراحت است که چرا نمی‌گذارند او کارش را بکند. همه‌ی دردهای دنیا برای پیغمبر بود. می‌فرماید: «ما اوذی مثل ما اوذیت».

رسانه‌ای شدن از سر سبیری نمی‌شود. کسی می‌تواند رسانه‌ای شود که آتش گرفته باشد که خدا بیاید او را دل‌داری بدهد و بگوید: عزیز من! صبر کن، آتش نگیر، آرام باش... درباره‌ی حضرت زینب به نظرم به قدر کافی صحبت شد.

کسی که در یک عملیات، شیمیایی می‌شود و بعد از بیست سال در اثر این جراحت به شهادت می‌رسد به او می‌گویند شهید، سردار بزرگ اسلام؛ درست هم هست. بیست سال است که نمی‌تواند نفس بکشد. زینب کبری(س) کم لطمه خورد در روز عاشورا؟! بعد از عاشورا یک سال و نیم زنده ماند و به اذعان تاریخ در غم حسین از دنیا رفت. حال به او شهید نگوییم؟! مگر می‌شود فرزند فاطمه شهید نشود؟! شهیده‌ی بزرگوار زینب کبری(س)...

حرف‌هایم را با این روضه به پایان می‌برم و حسن ختام کلامم.

همه گفته‌اند که زینب(س) در اثر بیماری از دنیا رفت. عالم بزرگی می‌فرماید که بیماری زینب شبیه «مات‌بودن» بود. کسی بنشیند و به جایی خیره شود و دیگر نتواند گریه بکند... ام‌البین خیلی گریه کرد، رباب خیلی گریه کرد اما کسی گریه‌ی زینب را ندید... زینب دق کرد.

داشتیم به خاطر شما بود، که شما هم ما را یاری نکردید... امام بیعت نمی‌کرد، ولی دیگر یاری هم نداشت. کار امام حسین کار چریکی نبود که بخواهد با هفتاد نفر به شام حمله کند. کار امام حسین این‌ها نبود. اگر رها می‌کردند، قیام تمام شده بود. رها نکردند. پس فصل دوم قیام آغاز شد. حماسه‌ی عاشورا با محور «هیهات من الذله»

- (امام فرمود) دلیل نمی‌شوم!

به راستی چه ثمره‌ای دارد این دلیل نشدن؟ ثمره‌ی این دلیل نشدن، ریشه‌کن شدن ظلم است؟ در صورتی که تحقق پیدا نکرد. مظلومین نجات می‌یابند؟ محقق نشد که... حق اقامه می‌شود؟ محقق نشد که...

اینجا دو احتمال باقی می‌ماند:

یکی این که امام حسین(ع) یک حماسه‌ای را بدون هیچ ثمری به پا می‌کند، در صورتی که حماسه‌ی بدون ثمر اصلاً حماسه نیست. دوم این که بگوییم یک ثمری برای این حماسه از اول قابل تصور است.

یادمان باشد، باید به حسین بگوییم:

حسین! مردم، تو را نخواستند. حسین هم اهل تحمیل دین به مردم نیست. اهل تحمیل آزادی، آرامش و حقانیت به مردم هم نیست. خودش فرمود من را رها کنید من می‌روم؛ حسین(ع) متظاهرانه سخن نمی‌گفت. صادقانه بیان می‌کرد. امام فرمود: می‌مانم و کشته می‌شوم. در صورتی که یک امام به این راحتی نباید خود را به کشتن بدهد. پس چه شده که امام حسین(ع) حاضر شده تن به شهادت دهد؟ یک اتفاق ویژه‌ای باید افتاده باشد!

به اجمال در این باره می‌توان گفت: بسیاری از امامان ما در زمانشان حاکمانی وجود داشتند، فاسد، سگ باز، هرزه و شاید حتی بدتر از یزید هم بودند. امام حسین خودش را به کشتن نمی‌دهد به خاطر وجود پلید یزید. مسأله پیچیده‌تر از این حرف‌هاست! امامان

دیگر معصوم ما تقیه کردند، مگر خود امام سجاد این کار را نکرد؟! امام حسین در این جا یک خطری را دیده، که اگر آن خطر با خون حسین برطرف شود، ثمره ی عاشورا خواهد بود.

آن چیست؟

- مردم زمان من دین را نخواستند، مشکلی نیست، اما آیا این دین باید برای نسل های آینده باقی بماند، یا نه؟ آن ها اگر خواستند بیایند.

در یک جمله امام حسین برای چه حماسه ی عاشورا را خلق کرد؟ (حماسه ی عاشورا در این جا با قیام تفاوت دارد.) برای این که این دین برای نسل های آینده باقی بماند، به مردم زمان خودش نمی خواست چیزی را تحمیل کند، پس جنس و ماهیت قیام اباعبدالله «پیام رسانی» بود. اگر امام حسین به شهادت نمی رسید، دین برای نسل های بعد باقی نمی ماند.

امام زمان(عج) اگر قیام کند برای اقامه ی حق در زمان خودش، قیام می کند نه برای نسل های آینده. علی بن ابی طالب اگر پذیرفت خلافت را، آن هم در اوج غربت و مظلومیت، برای اجرای دین در زمان خودش بود، هر چند آثاری هم در آینده دارد. سایر امامان ما اگر تقیه کردند به فکر آیندگان بودند و اگر حسین قیام کرد به فکر آینده بود که قیام کرد. اصلا ماهیت قیام حسین انتقال دین برای آیندگان بود. ماهیت اصلی قیام اباعبدالله همین است، نه مفاهیم دیگر. مفاهیم دیگر، آثار و اطراف آن هستند، خودش نیستند.

ظلم ستیزی ماهیت قیام حسین بود، امر به معروف و نهی از منکر ماهیت قیام حسین بود، اما در عاشورا همه ی این ها تمام شد، دیگر امکان امر به معروف وجود ندارد، امکان ساقط کردن یزید وجود ندارد، حتی دیگر امکان هدایت همان مردم هم وجود ندارد. حضرت برای آن ها خیلی حرف زد ولی فرمود دیگر شما شنونده ی حرف های من نیستید.

خدایا اگر ما رسانه ای نمی شویم، رسانه ای های ما را اهل خدمت به دین قرار بده.

خدایا فرزندان ما را اهل رسانه قرار بده.

و بازگردیم به زینب کبری(س)؛

با هم تدبر در این آیه را به ساحت قدسی بانوی دو عالم حضرت زینب(س) تقدیم می کنیم:

خداوند در آخر سوره ی نحل خطاب به پیامبر می فرماید: «و اصبر و ما صبرک الا بالله» خداوند می فرماید صبر کن. خیلی باید زجر بکشی در این راه و تو نمی توانی صبر کنی الا بالله. و می فرماید خودم باید کمکت کنم یعنی من می دانم چه زجری می کشی، صبر کن. کسی که رسانه ای است و می خواهد دین را تبلیغ کند باید خیلی صبور باشد، چون خیلی زجر خواهد کشید. گوشه هایی از موارد صبر را خداوند توضیح می دهد: «و لا تحزن علیهم» پیغمبر من! دلت برای آن ها نگیرد. هنگامی که آن ها هدایت نمی شدند و نمی پذیرفتند حرف او را. پیامبر شب تا صبح برای آن ها گریه می کرد.

می دانید چه کسی رسانه ای می شود؟ کسی که بتواند برای جهالت گریه کند. برای جهالت مردم ژاپن، برای جهالت مردم آفریقا، برای جهالت مردم اروپا گریه کند. رسانه ای، کسی است که برای مظلومین بحرین آتش بگیرد. چه کسی وجودش آتش می گیرد و هلاک می شود برای زن هایی که در عراق و افغانستان تحت چکمه های ستم امریکایی ها هستند؟ نپرسید چرا رسانه ای کم داریم! نپرسید... لا تحزن علیهم.

رسانه ای کسی است که آتش می گیرد. سوخته است... او خودکار بلد است چه کار کند که کارش در جهان بگیرد و نفسش اثر دارد... آن وقت خداوند رسانه چي خودش یعنی پیغمبر خودش را دل داری می دهد؛ لا تحزن، آرام باش. می دانم که «عشق به آدم ها» دارد تو را نابود می کند... چه کسی رسانه ای می شود؟ کسی که حریص هدایت مردم باشد.

دلیل این که به شما گفتند در مسجد جامع شهر اعتکاف کنید نه در غار و دور از شهر، برای این بود که بروید در متن مسائل شهر اعتکاف کنید. «یا ایها المزمّل! قم، فانظر» الآن مردم جهان تشنه‌اند، که خودشان را به خودشان نشان بدهید. تمام می‌شود دوره‌ی استکبار... مردم مغرب‌زمین آماده‌اند. فقط در این زمینه رسانه کم است. هیچ کس بلد نیست... هیچ کس نرفته دنبالش یاد بگیرد. هیچ نهادی نیست که رسانه‌ای انقلابی تربیت کند و قبلش به این‌ها بگوید که اگر می‌خواهید این راه را بروید حداقل باید یک بار «صحیفه‌ی امام» را بخوانید و بفهمید.

کسی نیست... مانده روی زمین، زیبایی‌های دین مانده روی زمین...! در حالی که در یک همایشی که چند وقت پیش برگزار شده بود، گروهی از سینماگران جوان کشور ما (وقتی که اعلام می‌شود فیلم کوتاهی که توسط یک جوان فلسطینی ساخته شده و می‌خواهد روی پرده برود) به نشانه‌ی تنفر از مفهوم غزه و فلسطین سالن را ترک می‌کنند. به نشانه‌ی اعتراض که چرا فیلم خارجی که آوردید از فلسطین آورده‌اید؟! فاصله‌ی این اتفاق از محل اعتکاف شما به یک کیلومتر هم نمی‌رسد! عرضه‌ی رسانه‌ای خودتان را بالا ببرید.

ماهیت قیام اباعبدالله رسانه‌ای بود که بماند برای آینده. در حال حاضر آن‌چه که از شما خواسته می‌شود این نیست که کاری بکنید که بماند برای آینده، خودش برای آینده می‌ماند؛ کاری بکنید که برسد به دست دیگران.

جانم فدای امام... امام آن قدر خوش بین بود به ما... می‌فرمود به زودی اروپا تکان می‌خورد. فکر می‌کرد انقلاب که کرده، حداقل سیصد تا سینماگر ماهر در انقلابیون او درست می‌شود...! (اما) سی سال طول کشید! تازه تدریجی و نهم اتفاقاتی افتاده و این‌که چه طور می‌شود... بماند. خودتان فکری بکنید. نمی‌شود به کسی تحمیل کرد که برود برای انقلاب اسلامی کاری انجام بدهد. از کوزه همان برون تراود که در اوست...

در این شرایط اگر حسین کشته نشود چیزی برای آینده نمی‌ماند. خون امام حسین(ع) در این جا ماهیت «پیام‌رسانی» دارد.

خون شهدای دفاع مقدس ما، ماهیت احقاق حق داشت، ماهیت ظلم ستیزی داشت، ماهیت اجرای حق داشت؛ ولی امام حسین در آن شرایط با کدام ظلم مبارزه می‌کرد و چگونه؟! حرکت او چه اثری داشت؟! خون اباعبدالله‌الحسین باعث بقاء دین شد. ماهیت خون اباعبدالله «پیام‌رسانی» بود. پس ماهیت قیام امام حسین رسانه‌ای است.

مختصاتش هم تضمین می‌کند رسانه‌ای شدن آن را. مظلومیتی است توأم با حماسه. هیچ کس برای امام حسین اشک نمی‌ریزد جز برای مظلومیت او. عنصر کلیدی‌تر از مظلومیت و مصیبت او که باعث ماندگاری حماسه‌ی عاشورا شده، حماسه‌بودن آن است. حماسه‌ته قلب انسان را شاد می‌کند و انسان را پُر افتخار، پای مجلس روضه می‌آورد و در آن جا مردانه برای او اشک می‌ریزد. اگر امام حسین له شده بود و حماسه‌ای در کار نبود هیچ کس برای مظلومیت او اشک نمی‌ریخت. حماسه، مظلومیت؛ نتیجه‌اش شد یک محبوبیت مداوم. این‌گونه رسانه‌ای کرد آن را، امام حسین آن را در یک بسته‌ی رسانه‌ای قرار داد. خودش و حماسه‌اش ماند و در متن خودش قرآن را نگه داشت و منتقل کرد. بعدها هم اگر کسی به قرآن حتی به صورت نیم‌بند عمل کرد ثمره‌ی خون اباعبدالله‌الحسین بود.

خودش فرمود با این یزید، باید با اسلام خداحافظی کرد. امام نتوانست یزید را سرتنگون کند، در عوض کار رسانه‌ای کرد. به او اجازه نمی‌دادند حرف بزند؛ «خون» از «حرف»، پیام‌رسانی‌اش بالاتر است. لذا جنس خون امام حسین جنس رسالت انبیاء است. «و ما علینا الا البلاغ» جنس بلاغی دارد. حماسه‌ای که جنس رسانه‌ای دارد، رکن رسانه‌اش زینب(س) است. این جاست نقش کلیدی زینب!

تمام حماسه‌ی عاشورا به دو بخش تقسیم می‌شود. بخشی دست زینب و خواهرش ام‌کلثوم و بخشی از آن دست امام حسین، برادران و فرزندان‌ش. برای همین، یک قطره اشک برای خون حسین، چون ملحق می‌شود به حماسه‌ی عظیم رسانه‌ای و چون تقویت‌کننده‌ی این رسانه است ثوابش بهشت و رضوان الهی است. در حالی که ده لیتر اشک برای طلب مغفرت، تضمین نشده است که ثوابش بهشت باشد. برای همین است هنگامی که علامه‌ی امینی از دنیا می‌رود و پسرش او را (در خواب) در بهشت برزخی می‌بیند، وقتی از او می‌پرسد «بابا! این‌هایی که (در اختیار) داری برای چیست؟ برای منبرهایی است که می‌رفتی یا کتاب‌هایی که نوشتی از جمله الغدیر؟». ایشان می‌فرماید: «این‌هایی که تو می‌بینی همه‌اش برای زیارت قبر ابا عبدالله‌الحسین است. من چون خودم به عنوان یک «زائر» به زیارتش رفتم، کمکی به این رسانه کردم.»

برای همین است که سرودن یک بیت شعر و یا حتی خواندن شعر برای امام حسین جوابش جنت است. برای همین است که نوحه‌خوانی باب شد. حتی دم در نوحه هم این ثواب را دارد.

امام حسین برای رسانه جان داد. (اکنون) من با یک بیت شعر جواب ندهم؟! برای انتقال! من وقتی یک بیت شعر جواب می‌دهم، نوحه جواب می‌دهم، (یعنی) مستقیماً دارم به حسین کمک می‌کنم. در حالی که من اگر آدم خوبی بشوم به خودم کمک کرده‌ام. به فرض اگر من آدم خوبی نشدم حداقل به حسین کمک کنم!

این مقام زینب است. باید گفت قیام را این خواهر و برادر برگزار کردند. حالا که قیام امام حسین چیزی از جنس رسانه و با هدف کار رسانه‌ای شد، می‌شود عین کار زینب(س). پس دو قسمت شد؛ بخشی در عاشورا و بخشی بعد از عاشورا.

بچه‌ها! در چه رشته‌هایی درس می‌خوانید؟ زمینه‌ی شغلی شما چیست؟ چه کاره می‌خواهید بشوید؟ چقدر به کار و رشته‌ی شما نیاز هست؟ خدا و کیلی بین خودتان و

خدا محاسبه کنید. استعداد شما در چه زمینه‌ای است؟ شاید استعداد دیگری هم داشته باشید. یک بررسی انجام بدهید.

الآن مهم‌ترین نیازی که جهان اسلام، جامعه‌ی ما، انقلاب اسلامی ما، انقلاب جهانی اسلام و انقلاب بشریت دارد، رسانه است. عنصر رسانه‌ای خوب در اندازه‌های انقلاب اسلامی به شدت کم داریم. می‌خواهید چه کاره بشوید؟ چرا کارتان را رها نمی‌کنید بروید مستندساز بشوید؟ فیلم‌ساز بشوید. رسانه‌چی بشوید. نداریم، اصلاً نداریم...

در جمهوری اسلامی ایران یک نفر نداریم برای حجاب یک فیلم سینمایی شایسته بسازد، نداریم... یک نفر نداریم یک سریال قوی برای دفاع مقدس بسازد، نداریم... بعید است از کسانی که الآن هستند کسی بتواند در آینده هم این کار را بکند، یک نفر نداریم... یک نفر نداریم ماهیت الله اکبر انقلاب را برای جهانیان روشن بکند. احدی نیست ولایت فقیه را با زبان رسانه برای جهانیان روشن بکند.

نداریم...! کار دین روی زمین است...!

ما با «الله اکبر» قیام کردیم. قیام ما را به الله اکبر می‌شناختند. وقتی رزمندگان اسلام در سنگرها الله اکبر می‌گفتند، عراقی‌ها با شنیدن الله اکبر می‌ترسیدند و فرار می‌کردند. دشمن بدل زد، یک طالبان درست کرد و الله اکبر ما را گذاشت در دهان طالبان و آن را به لجن کشید. در حال حاضر در هر جای جهان گفته شود الله اکبر، همه یاد طالبان و تروریست‌ها می‌افتند. برای این‌که ما بلد نبودیم برای انقلابمان کار رسانه‌ای بکنیم!

پزشک چند تا کم داریم؟ روحانی چند تا کم داریم؟ مهندس چند تا کم داریم؟ دانشمند چند تا کم داریم...؟! «رسانه‌چی» چند تا کم داریم؟ به حضرت زینب قسم، بیشترین نیاز این جامعه به رسانه‌ای‌های انقلابی است. کل وزارت ارشاد و صدا و سیما را بگردیم، چند نفر نریشن نویس برای فیلم‌های مستند، صاحب قلم دارای فکر و ذوق مثل آوینی پیدا می‌کنیم؟ نریشن‌نویس... نه مستندساز!